

درس چهارم : مزاج!!!

آنچه فراگیر در این درس می آموزد:

- ۱- با تاثیر مزاج بر رفتار آشنا شود.
- ۲- طبایع چهارگانه و خصوصیات آن را بشناسد.
- ۳- با تاریخچه مزاج شناسی و رابطه آن با شخصیت شناسی آشنا گردد.

برای اینکه ببینیم چه مسیری طی شده تا به نظریات فعلی در خصوص شخصیت رسیده ایم بهتر است اول نگاهی به سیر تاریخی این مسیر بیاندازیم. عجیب نیست اگر بگوییم ریشه بیشتر نظریات پیرامون شخصیت حاصل تفکرات فلاسفه یونان باستان بوده است.

یونانی ها اولین بار به این نتیجه رسیدند که طبع و خصوصیات آدم ها را می توان در چهار طبقه بندی قرار داد که بعد ها تحت عنوان نظریه مزاج ها یا مزاج شناسی شناخته شد. اولین بار بقراط بود که با توسعه نظریه مزاج ها از آن بعنوان روشی درمانی استفاده کرد.

بقراط معتقد بود که خلق و خو و عواطف یک فرد از ازدیاد یکی از عناصر چهارگانه موجود در بدن شکل می گیرد: صفرای زرد، صفرای سیاه، خون، بلغم. به این ترتیب مقدار متفاوت هر کدام از این اجزاء باعث شکل گیری شخصیت و طبع غالب فرد می شود.

جالینوس نیز در رساله اش با عنوان طبایع به مطالعه و توسعه این نظریه و تیپ شناسی افراد پرداخت. هدف او پیدا کردن یک ساختار مشخص و علت فیزیولوژیک برای رفتار انسان ها بود.

او بر اساس عناصر چهارگانه آب، باد، خاک و آتش رفتار را در چهار الگوی گرم یا سرد و خشک یا تر دسته بندی کرد.

او علاوه بر این معتقد بود ایده آل ترین حالت برای رفتار و شخصیت یک فرد تعادل میان اجزاست و در پی اثبات این فرضیه بسیار تلاش کرد. او به نتیجه رسید که شخصیت ایده آل از تعادل میان اجزای گرم یا سرد با تر یا خشک به دست می آید.

با این حال جالینوس متوجه شد که الگوی رفتاری اغلب افراد در عمل از چنین تعادلی پیروی نمی کند، به همین دلیل بعد ها هر

کدام را تحت عنوان یک کد یا مشرب مشخص تعریف کرد: **دموی، بلغمی، سوداوی، صفراوی.**

هر کدام از این طبایع به ترتیب بر اساس همان عناصر چهارگانه بقراط نام گذاری شدند: **باد، آب، آتش و خاک.**

صفرای زرد(طبع صفراوی):

نام دیگر این طبع رهبر یا رئیس است. افراد با این طبع معمولاً با اعتماد به نفس، بلندپرواز، قاطع، صریح و با انگیزه هستند. افرادی

که در این طبقه بندی قرار می گیرند اراده قوی دارند و معمولاً برونگرا هستند.

صفرای سیاه(طبع سوداوی):

افراد این طبقه بندی آرام ترین طبع از طبایع چهارگانه هستند. آنها افرادی تودار و متفکر هستند، ممکن است گاهی دمدمی مزاج

باشند و معمولاً توقعات بالا و کمال طلبانه دارند. آنها عاشق لحظات خلوت و تنهایی هستند و قبل از هر تصمیم گیری عمیقاً فکر می کنند و جوانب را می سنجند.

خون (طبع دموی):

افراد این طبقه بندی عاشق ارتباطات اجتماعی و دورهمی ها و جمع های شلوغ هستند. معمولاً در مهمانی ها بدون این افراد به دیگران خوش می گذرد. آنها روحیه ای مثبت و امیدوار دارند و علاقه مند به ارتباط با مردم هستند. اما ممکن است گاهی بی برنامه و بهم ریخته باشند.

بلغم (طبع بلغمی):

وفاداری و ثبات بهترین کلماتی است که می تواند این افراد را توصیف کند. آنها آرام و متین هستند و معمولاً دیگران از بودن در کنار آنها لذت می برند و به نوعی احساس تعادل و آرامش می کنند. علاوه بر این آنها افرادی فروتن و گاه مطیع هستند و اعتماد بالایی به دیگران دارند.

خیلی از افراد خودشان را به یکی از این طبایع نزدیک تر می بینند، اگر چه هر چهار مورد به میزانی در خلق و خو و رفتار هر انسانی مشاهده می شود. هر کس ممکن است در برهه های زمانی متفاوت و در موقعیت های مشخص یک یا چند ویژگی از هر کدام از این طبقه بندی ها را از خودش بروز دهد. اما به طور کلی و در بلند مدت یکی از این طبایع نسبت به بقیه حضور و نقش پررنگ تری در شخصیت و رفتار هر فرد دارد.

اندکی تأمل!!

به نظر شما چه عوامل دیگری بر تغییر شخصیت افراد تأثیر دارد؟

آیا تفاوت شخصیت افراد تنها دلیلش طبایع چهارگانه است؟؟؟